شماره پنج

سیرت و صورت انقلاب







www.edalatkhahi.ir

سخن پنجم...

آگاهی نسبت به تفاوت میان «جمهوری اسلامی» با«انقلاب اسلامی» از جمله مهمترین مباحث پایه ای است که متاسفانه در فضای دانشجویی چندان بدان پرداخته نشده است. لزوم آگاهی نسبت به این تفاوت،که با تعبیر «صورت» و« سیرت» انقلاب در ادبیات مقام معظم رهبری بارها مورد تاکید قرار گرفته، آنجا مهم میشود که بدانیم دشمنان انقلاب اسلامی با تغییر سناریوی خود، دیگر به دنبال «تغییر نظام» و « براندازی صورت انقلاب» نبوده بلکه به دنبال «تغییر رفتار نظام» و « تغییر سیرت انقلاب» هستند. (اگرچه اگر توان براندازی سخت نظام اسلامی را داشته باشند از این مسئله دریغ نخواهند کرد) تشخیص صحیح وظیفه دانشجویان در این عرصه و صیانت از ســـیرت انقلاب امری بسیار مهم و ضروری است که رهبر انقلاب بارها بدان اشاره کرده اند.

تجربه نشان داده آنانی که جمهوری اسلامی را معادل انقلاب اسلامی تصور میکنند به هیچ وجه نمیتوانند در زمانه بروز انحرافات، یاری رسان امام امت باشند. فهم اینکه جمهوری اسلامی اگرچه بزرگترین و مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی است اما معادل انقلاب اسلامی نیست مسئله ای بسیار ضروری است. حفظ جمهوری اسلامی لازم است اما کافی نیست. دستیابی به آرمانهای انقلاب اسلامی بدون وجود جمهوری اسلامی امری محال و ناممکن است و اگر در نظام حکومتی، انحرافی از آرمانهای انقلاب اسلامی پیش آید نیز باید از طریق سازوکارهای «همین جمهوری اسلامی» اصلاح شود.

بسیار مهم است که دانشجویان انقلابی همانطور که خود را در برابر حفظ «صورت نظام» مسئول میدانند، خود را در برابر حفظ «سیرت نظام» نیز مسئول بدانند. چرا که اگر سیرت جمهوری اسلامی تغییر یابد، با براندازی صورت جمهوری اسلامی تفاوتی ندارد.

در این جزوه که شامل دو قسمت است به تبیین تمایز میان «جمهوری اسلامی و صورت انقلاب» با « انقلاب اسلامی و سیرت انقلاب» میپردازیم.

قسمت نخست متن یکی از جلسات دانشجویی دانشجویان دانشگاههای شیراز با دکتر اسماعیل رئیسی است که به همین موضوع پرداخته شده است. از جمله نقاط برجسته این جلسه آن است که با ادبیاتی مدیریتی نیز این مسئله تبیین شده تا دانشجویان بتوانند با نگاهی به تحقق اهداف انقلاب، اثربخشی دستگاههای مسئول در جهت تحقق آرمانها را مورد سنجش قرار دهند. مطالعه ی این قسمت، پیش از مطالعه قسمت دوم، به فهم عمیق مسئله کمک شایانی میکند.

قسمت دوم نیز گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری در باب تبیین همین مسئله است. بیاناتی هشدارگونه و بی نظیر که به تبیین تفاوت ساخت حقیقی و حقوقی نظام اسلامی و اهمیت درک این مسئله میپردازد.

اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی



سیرت و صورت انقلاب

تفاوت میان «جمهوری اسلامی» با «انقلاب اسلامی»

گفتاری از دکتر اسماعیل رییسی

بخش اول

ضرورت‌های نظام اسلامی

ضرورت پرداختن و بحث و بررســی درباره «ضرورت های نظام اسلامی» را شــاید بتوان با این مثال آغاز کرد. اگر یک قورباغه را در آب جوش بیندازید بلافاصله پس از حس گرمای آب، به بیرون می‌جهد اما اگر آن را در آب ولرم بگذارید و سپس آرام آرام آب را گرم کنید، متوجه تغییر دما نشده و در ظرف باقی می‌ماند و آب‌پز می‌شود.

این مثال به کنایه از این مطرح شد که گفته شود، «انحرافات» نیز اینگونه و به آرامی و بی‌سر و صدا رخ می‌دهد. اگر ناگهان کاری بزرگ و ناگهانی را در مســیری انجام دهید، همه متوجه می‌شوند اما اگر این کار را به صورت یک درجه یک درجه انجام دهید و برای هر درجه زمانی را در نظر بگیرید؛ کار به پیش می‌رود و می‌بینید که مثلا ۴۵ درجه از آن مسیر انحرافی، دور شده‌اید و هیچ‌کس هم متوجه نشــده است. این موضوع در حرکت‌های اصلاحی در سراســر دنیا صورت گرفته و جنبه مثبت و منفی دارد. اگر مسیری غلط را درست کنید و اگر خرده خرده آن مسیر اشتباه را اصلاح کردید، این حرکت «تاثیر» دارد اما بر روی ناگهانی اقدام کردن هنوز بحث است که اجرای حرکتی ناگهانی چقدر می‌تواند آن جامعه را تحت تاثیر قرار دهد. اغلب روی این بحث می‌کنند که تاثیرات ناگهانی اگر تبدیل به فرهنگ نشود، دوام نمی‌آورد و به ماهیت و میسر اولیه خودش بازمی گردد.از صدر اسلام، حرکت‌های اصلاحی بسیاری صورت گرفته است اما آرام آرام این مسیر منحرف شد و یک مرتبه می‌بینیم که در سال ۶۱ ه.ق سر حسین بن علی(ع) بالای دار است و همه می‌گویند در راستای جدش پیغمبر است که سر پسر را بالا بردیم!

نسل جوان و آینده‌سازان نظام باید فوق‌العاده این بحث را جدی بگیرد و به همان چیزی که حضرت آقا در سخنرانی‌های دانشجویی روی آن تاکید دارند، یعنی «حفاظت و حراســت از هسته مرکزی انقلاب» توجه کنند. هر نظام سیاســی و از جمله جمهوری اسلامی، دارای شکلی است و مثلا این شکل را می توان دستگاه‌های رسمی جمهوری اسلامی مانند دولت، مجلس، قوه

از صدر اسلام، حرکت‌های اصلاحی بسیاری صورت گرفته است اما آرام آرام این مسیر منحرف شد و یک مرتبه می‌بینیم که در سال ۶۱ ه.ق سر حسین بن علی(ع) بالای دار است و همه می‌گویند در راستای جدش پیغمبر است که سر پسر را بالا بردیم! نسل جوان و آینده‌سازان نظام باید فوق‌العاده این بحث را جدی بگیرد و به همان چیزی که حضرت آقا در سخنرانی‌های دانشجویی روی آن تاکید دارند، یعنی «حفاظت و حراست از هسته مرکزی انقلاب» توجه کنند.

قضاییه، شورای نگهبان و... دانست. در مجموع برای هر هدفی، باید ساختاری را شکل داد. مانند تشکیل یک تیم فوتبال که نیازمند ساختاری مانند تیم پزشکی، تیم خدمات رسان، تیم تجهیزات و... است. ساختارها لزوما ارزش‌آفرین و ضد ارزش نیست بلکه صرفا امکانات و ساختار است.

آنچه موجب تفکیک جمهوری اسلامی از سایر نظام‌های سیاسی می‌شود، این ساختارها نیست بلکه محتوای آن است. اما محتوای جمهوری اسلامی چیست؟ سیرت جمهوری اسلامی چیست؟ مبارزه با استکبار، دین زائی، عدالتخواهی، تقویت مبانی اعتقادی مردم، خداباوری، اخلاق گرائی، حمایت از محرومین جهان در هر آئین و اعتقادی که هستندو ... اینها بخشی از محتوای نظام اسلامی است که آن را از دیگر نظام های حاکمیتی متمایز می کند. همچنین ولایت فقیه نیز که در حقیقت یک محتواست، به یک معنا نیز می تواند جزو ساختارها باشد. اگر ولایت‌فقیه از «ارکان و محتوای» نظام تبدیل به «شکل و ساختار» شود و از کیفیت به کمیت و پوسته تنزل یابد، عملا ولایت فقیه، زمین گیر شده است. این موضوع مهمی است که البته نیاز به یک فرصت مستقلی دارد. ولایت در صورتی ولایت می ماند که بتواند اعمال حاکمیت کند، حال اگر به هر دلیلی شـــرایطی پیش بیاید که ولی نتواند اعمال ولایت کند، تنها پوسته ای از ولایت فقیه در جامعه باقی می ماند که اتفاقا ضد خود عمل خواهد کرد. در واقع این محتواها اصل ماموریت نظام اسلامی است چراکه در جمهوری اسلامی ساختار تشکیل دادیم اما نیاید این ساختارها برای ما تبدیل به بت شود و دچار این توهم شویم که باید این ساختارها را حفظ کنیم و اگر حفظ کردیم، جمهوری اسلامی به ماموریت خود رسیده است. حفظ ساختارها، لازم است اما کافی نیست.

کارایی و اثر بخشی

اینجا بحث «کارایی» و «اثربخشی» نیز در سطح مدیریت جهان قابل توجه است. بسیاری اوقات این دومفهوم با هم خلط شده و درست معنا نمی‌شود. کارایی، انجام خوب و درست کارهاست و اثربخشی، انجام کارهای درست است. اولی ناظر بر کمیت و دومی ناظر بر کیفیت است. «ساختار» در یک نظام سیاسی، ماموریت اول یعنی «کمیت» را بر عهده دارد و لاغیر. اینجا بحث بر سر اثربخشی است که آیا مقصد را درست تعریف کرده‌ایم یا خیر؟ به عنوان مثال ما یک شرکت داریم و پس از مدتی این سوال مطرح است که آیا این شرکت به سمت مقصد و کیفیتی که می‌خواسته، حرکت کرده است؟ !!!! اغلب در نظام‌های سیاسی انحرافات از اینجا شروع می‌شود که ساختار به جای هدف می‌نشیند!

پیتر دراکر، معروف به پدر مدیریت نوین دنیاست که در همین سال‌های اخیر درگذشت. وی مصاحبه‌ای دارد و در پاسخ این سوال که بحران مدیریت در قرن آینده چیست؟ می گوید که «به زعم من مهترین چالش فراروی مدیران در قرن آینده، تفکیک کارایی از اثربخشـــی است». اگر به عمق موضوع توجه کنیم می‌بینیم که این تفکیک، بحث بسیار مهمی است و اکنون عده‌ای دارند کارایی را به جای اثربخشی، تعریف می کنند.

مصادیقی از کمیت گرایی و کیفیت گرایی

هر زمان می‌خواهند اقتصادهای دنیا را با هم مقایسه کنند درباه تولید ناخالص ملی (GNP) صحبت می‌کنند و در صدا و سیما نیز همواره از این شاخصه نام می‌برند و اینگونه به ما القا می‌شود که اکنون تمام کشورهای دنیا در حال رقابت بر سر GNP هستند. تولید ناخالص ملی یعنی یک کشور در یک سال چقدر تولید می‌کند، از تولید کالاها و اجناس گرفته تا خدمات و گرشگری و بانک و... . می‌بینیم که سازمان ملل درباره اقتصاد کشورها گزارش می‌دهد و شاخص اصلی را GNP در نظر گرفته است. زیرا GNP کمیت است و باقی موضوعات کیفیت است. جالب توجه است که این شاخص را به عنوان میزان خوشبختی مردم هر کشور نیز در نظر می‌گیرند. اما باید از این نهادها و سازمان‌ها پرسید که چگونه این شاخص را می‌توان به عنوان شادی و بهروزی مردم در نظر گرفت. شاید در قرن‌های گذشته شاخص GNP در کیفیت و بهبود زندگی مردم اثر داشت اما اکنون کشورهای غربی نیز معتقدند که صرفا این شاخص نمی‌تواند در کیفیت و بهبود زندگی مردم اثر داشته باشد.

«ساختار» در یک نظام سیاسی، ماموریت اول یعنی «کمیت» را بر عهده دارد و لاغیر. اینجا بحث بر سر اثربخشی است که آیا مقصد را درست تعریف کرده‌ایم یا خیر؟ به عنوان مثال ما یک شرکت داریم و پس از مدتی این سوال مطرح است که آیا این شرکت به سمت مقصد و کیفیتی که می‌خواسته، حرکت کرده است؟ !!!! اغلب در نظام‌های سیاسی انحرافات از اینجا شروع می‌شود که ساختار به جای هدف می‌نشیند!

فرض کنید ۳۰ نفر در یک رستوران در حال صرف خوراک هستند. متوسط درآمد مشتریان با جمع درآمدها و تقسیم آن‌ها به تعدادشان، محاسبه می‌شود. اکنون اگر درب رستوران باز شده و فردی به نام آقای بیل گیتس وارد شد، اکنون متوسط درآمد مشتریان این رستوران چقدر است؟ اکنون حال و روز این مشتریان با یک دقیقه قبل، چه تغییری کرد؟ آیا متوسط درآمد که همان جمع درآمدها و سپس تقسیم به تعداد افراد است، با ورود این فرد ثروتمند به میان این ۳۰ نفر، چند صد برابر می‌شود؟(خنده حضار)

کشورهایی که GNP بالا دارند از جمله آمریکا، ژاپن، قطر هستند. با GNP ای که برای امریکا تعریف شده می‌بینیم که می توان با مثلا ۳۷ هزار دلار در سال در امریکا زندگی خوبی داشت اما در همین کشور، ۴۰ میلیون نفر نیازمند کوپن غذا هستند (از خدمات اجتماعی امریکایی‌ها این است که به افرادی که قادر به تامین غذایشان نیستند، خوراک بدهند). یا در بحث قانون خدماتی اوباما(obama care) که در ابتدای کارش با کنگره درگیری داشت، بحث بر سر این بود که اکنون ۴۰ میلیون امریکایی هیچ‌گونه بیمه‌ای ندارند. در این

کشور خدمات و از جمله خدمات درمانی بسیار گران است و اگر فردی با درآمد پایین، به بیماری خاصی دچار شود؛ نمی‌تواند از خدمات پزشکی استفاده ببرد. موضوع این است که در تبدیل کیفیت به شاخص‌های کمی، مشکلات بسیاری به وجود می‌آید. مثالی که پیش‌تر درباره تولید ناخالص ملی گفته شد نیز شاهد مثال این موضوع است. روز اول قرار بود این شاخص برای ارزیابی رفاه افراد در کشورهای مختلف باشد اما اکنون کاملا منحرف شده و تبدیل به شاخصی شده است که هیچ‌گونه بازتابی از واقعیت اقتصاد مردم یک کشور نمی دهد.

«سیرت» و «صورت» انقلاب

بازگردیم به بحث درباره نظام جمهوری اسلامی و این فرموده حضرت آقا که «سیرت» جمهوری اسلامی است که ما را «جمهوری اسلامی» می کند و نه صرفا «صورت» آن و یا به تعبیر من «ساختار» آن. این ساختارها برای هر نظامی، ضروری هستند ولی فی نفسه ارزش گذاری نمی شوند، خوب یا بد نیستند. اما آیا این ساختارها ما را به آن اهداف که محتوای ماموریت هر نظامی است، می‌رساند؟ این ساختارها همگی ابزار و مصداق کارایی هستند، یعنی انجام درست کارها. اکنون بحث اصلی در دنیا بر سر کیفیت یا اثربخشی است. همه انحرافات در مسیرهای انقلاب‌ها از اینجا شروع می‌شود که می‌خواهند به مقصدی(کیفیتی) بروند و تشخیص مسیر برای رسیدن به آن مقصد، دشوار است. مانند ماشینی است که می خواهد از شیراز به تهران برود. ماشین و تجهیزاتش همگی کمیت یا ساختار هستند و مقصد یعنی تهران، کیفیت است و تشخیص اینکه این ماشین، در حال رفتن به تهران است یا بوشهر، برای فردی که تا به حال به تهران نرفته است، دشوار است.

نگاه حضرت آقا به جمهوری اســـلامی با نگاه بسیاری از مسئولان متفاوت است. در نگاه ایشان اگر «صورت جمهوری اسلامی» از محتوا و «سیرت انقلاب اسلامی» خالی شود، این جمهوری اسلامی، هیچ ارزشی ندارد اما اگر با بسیاری از مسئولان صحبت کنید، عملا تفکیکی بین سیرت و صورت انقلاب قائل نیستند و جمهوری اسلامی را نظامی ذاتا مقدس می‌دانند در حالی که حضرت آقا برای «جمهوری اسلامی» هیچ اصالت ذاتی‌ای قائل نیستند بلکه اصالت ذاتی و ارزش آن را به «سیرت انقلاب اسلامی» می‌دانند.

بنابراین ساختارها شکل و «صورت» هستند و اصل، محتوای اسلامی یا همان«سیرت» انقلاب است. محتوا همان استکبارستیزی، دین باوری، عدالت خواهی و . . . است. ساختارها (صورت) باید بتواند آن هویت و محتوا (ســـیرت) انقلاب را حفظ کند و اگر آن ساختار نتواند آن محتوا را انتقال دهد، انحراف به وجود می‌آید. اگر انحراف، یک درجه یک درجه باشد، هیچ‌کس متوجه نمی‌شود و تاریخ شهادت می‌دهد که این انحراف‌های یک‌درجه یک‌درجه ای پس از پنجاه سال سر پسر پیامبر را بر بالای نیزه می برد.

در کتاب «اقتصاد در اندیشـــه امام خمینی» دفتر چهل و ششم آثار موضوعی صفحه ۴۷ آمده است: " اصولا احکام مطلوبیت ذاتی ندارد بلکه وسایل و ادواتی هستند که جهت اجرای صحیح اهداف حکومت اسلامی و گسترش قسط و عدالت در جامعه به کار می‌رود."با توجه به موضوعی که پیشتر ذکر شد مبنی بر اینکه اسلام

باید دارای تشکیلات موضوعی و سیستم حکومتی با تمام شئون آن باشد دیگر تردیدی باقی نمی ماند که فقیه هیچ گاه نمی تواند دژ اســـتوار اسلام باشد چنانکه به دژ محکم پیرامون شهرها تشبیه شده است مگر آنکه حافظ تمام ابعاد و شئون مختلف اسلام از بحث عدالت و اجرای حدود الهی گرفته تا حفظ ثغور کشـــورهای اسلامی و گرفتن خراج و مالیات و مصرف کردن آن در راه مصالح مسلمانان و تعیین والیان و فرمانداران در نواحی مختلف کشور باشد و اگر چنین نباشد نمی توان اسلام را تنها بیان احکام دانست و بس. آری می توان گفت که اسلام عبارت است از یک نظام حکومت با همه شئونات و ابعاد آن که در این صورت احکام اسلامی همانا قوانین آن نظام حکومتی است و در واقع یکی از شئون آن محسوب می‌شود.

نگاه حضرت آقا به جمهوری اسلامی با نگاه بسیاری از مسئولان متفاوت است. در نگاه ایشان اگر «صورت جمهوری اسلامی» از محتوا و «سیرت انقلاب اسلامی» خالی شود، این جمهوری اسلامی، هیچ ارزشی ندارد اما اگر با بسیاری از مسئولان صحبت کنید، عملا تفکیکی بین سیرت و صورت انقلاب قائل نیستند و جمهوری اسلامی را نظامی ذاتا مقدس می‌دانند در حالی که حضرت آقا برای «جمهوری اسلامی» هیچ اصالت ذاتی‌ای قائل نیستند بلکه اصالت ذاتی و ارزش آن را به «سیرت انقلاب اسلامی» می‌دانند.

بخش دوم

«براندازی»، «استحاله»، «استفاده از عناصر نفوذپذیر» سه هدف دشمن

هدفهائی که آنها دنبال میکردند، در درجه‌ی اول، ســـقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اســـلامی بود. هدف اول، براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه‌ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یـــک عده‌ای در داخل، به خاطر حب بـــه نفس، حب به مقام - از این قبیل امراض خطرناک نفسانی - اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوم.هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی میماند، از عناصر ضعیف‌النفسی که میتوان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی

به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد – عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد – در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینهاست.
خطبه های نماز جمعه تهران۸۹/۱۱/۱۵

ساخت حقیقی و حقوقی نظام

این «توانائیِ ماندن»، این «اقتدار»، این «ظرفیت بقاء» بایستی حفظ شود. اینجور نیست که ما هر جور عمل کنیم – ولو بیتفاوت، ولو با عدم توجه به وظائف حساس و مهم – باز هم همین ظرفیت مقاومت باقی بماند؛ نه، بایستی نظام جمهوری اسلامی را به معنای حقیقی کلمه‌اش حفظ کرد، تا بتوان از منافع این ملت، از منافع این کشور، این ملت را بهره‌مند کرد؛ تا بتوان این ملت را به اوج ترقی و آرزوها و آرمانهای خودش رساند..آنچه مهم است این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات – همین چیزهائی که مشاهده میکنید – است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست.

همیشه در دلِ ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم میشکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمانهای جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزواء انداختیم، اگر مردمی بودنِ مسئولان کشور را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله‌ی خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده‌ی مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبیهای دشمن فراموش شود، اگر رودربایستیها، ضعفهای شخصی، ضعفهای شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخشهای اصلیِ هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهریِ جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمیکند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس

شورا: مجلس شورای اســـلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهائی کاری صورت نمیدهد. اصل قضیه این اســـت که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.

و من به شما عرض بکنم که تغییر سیرت، تغییر آن هویت واقعی، بتدریج و خیلی آرام حاصل میشود. توجه بعضیها به این، غالباً جلب نمیشود، یا خیلیها توجهشان جلب نمیشود. یک وقتی ممکن است همه متوجه شوند، که کار از کار گذشته باشد. خیلی باید دقت کرد. چشم بینای طبقه‌ی روشن‌بین و روشنفکر جامعه – یعنی طبقه‌ی دانشگاهی – و چشم بینای دانشجویان باید این مسئولیت را همیشه برای خودش قائل باشد.

نظام اسلامی، نظام اسلامی است در ظاهر و باطن؛ نه فقط نظام اسلامی در ظاهر. صرف اینکه حالا یک شرائطی در قانون اساسی برای رئیس جمهور و برای رهبر و برای رئیس قوه‌ی قضائیه و برای شورای نگهبان و برای که و که معین شـــده؛ و چه و چه، اینها کافی نیست؛ اگرچه اینها لازم است. انحراف در هدفها، در آرمانها، در جهتگیریها را باید مراقبت کرد که پیش نیاید. و این چیزی اســـت که ما در طول این سالهای طولانی – بخصوص بعد از جنگ و بعد از رحلت امام – درگیرش بودیم؛ جزو درگیریهای اساسی در این دو دهه‌ی گذشته، یکی همین بوده. تلاشهای زیادی شده است برای اینکه جمهوری اسلامی را از روح و معنای خودش خارج کنند. تلاشهای زیادی کرده‌اند؛ به شکلهای مختلف؛ چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های اخلاقی، چه در زمینه‌های اجتماعی؛ از اظهاراتی که شده و حرفهائی که زده شده.

ما یک دوره‌ای را هم مشاهده کردیم که در مطبوعات ما رسماً، علناً، جدائی و تفکیک دین از سیاســـت را اعلان کردند! اصلاً مسئله‌ی یکی بودن دین و سیاست را که اساس جمهوری اسلامی و اساس حرکت عمومی مردم بود، زیر ســـؤال بردند. از این بالاتر؟! در دورانی، در مطبوعات ما دیده شد که صریحاً، علناً، از رژیم ظالم، جبار و سفاک پهلوی دفاع شد! برای اینکه چنین حالتی پیش نیاید و برای برخورد با این انحراف، میشود با برجسته کردن مرزهای اعتقادی و فکری و سیاسی، جلوی این انحراف را گرفت. شاخصهای هویت

من به شما عرض بکنم که تغییر سیرت، تغییر آن هویت واقعی، بتدریج و خیلی آرام حاصل میشود. توجه بعضیها به این، غالباً جلب نمیشود، یا خیلیهاتوجهشان جلب نمیشود. یک وقتی ممکن است همه متوجه شوند، که کار از کار گذشته باشد. خیلی باید دقت کرد. چشم بینای طبقه‌ی روشن‌بین و روشنفکر جامعه – یعنی طبقه‌ی دانشگاهی – و چشم بینای‌دانشجویان باید این مسئولیت را همیشه برای خودش قائل باشد.

اســـلامی بایستی معلوم باشد: شاخص عدالت‌طلبی، شاخص ساده‌زیســـتی مسئولان، شاخص کار و تلاش مخلصانه، شـــاخص طلب و پویائی علمی بی وقفه، شاخص ایستادگی قاطع در مقابل طمع‌ورزی و سلطه‌ی بیگانگان، شاخص دفاع از حقوق ملی. از حقوق ملت، دفاعِ شجاعانه کردن یک شاخص است؛ مثل همین حق هسته‌ای؛ مسئله‌ی هسته‌ای. این یکی از ده‌ها نیاز کشور ماست؛ تنها مسئله‌ی ما نیست؛ اما وقتی دشمن روی این نقطه متمرکز شد، ملت هم ایستادگی کرد. در این نقطه‌ای که دشمن روی او تمرکز پیدا کرده است، اگر ملت عقب‌نشینی کند، اگر مسئولین عقب‌نشینی کنند و از این حق قطعی و روشن صرف‌نظر کنند، بدون تردید راه برای دست‌اندازی به حقوق ملی برای دشمن باز خواهد شد.

اجتناب از اشرافی گری؛ یعنی ضد ارزش کردن. در انقلاب ما این نکته وجود داشت؛ این را بتدریج بعضیها سعی کردند کمرنگ کنند. این در مسائل اقتصادی ما اثر دارد، در مسائل روانی ما اثر دارد. اشرافی گری و گرایش به اشرافی گری، یک ضد ارزش بود در انقلاب. یعنی افرادی در سطوح مختلف بودند که از اینکه به اشرافی گری نسبت داده شوند، یا از آنها چیزی دیده شود که جزو خصوصیات اشرافی گری باشد، بشدت اجتناب میکردند. مســـئولین کشور در درجه‌ی اول متعهد به این قضیه هستند و باید باشـــند. این تدریجاً ضعیف شد. امروز خوشبختانه همان موج ضد ارزش کردن اشرافی گری، بحمدالله وجود دارد؛ یعنی دولت، مسئولین دولتی ساده‌زیستند، مردمی هستند و این خیلی فرصت خوبی است؛ نعمت بزرگی است. این یکی از شاخصهاست.

مسئله‌ی ارزش جهاد و شهادت، یکی دیگر از شاخصهاست. ارزش مجاهدت، مقام والای شهادت، از جمله‌ی چیزهائی بود که به وسیله‌ی عناصری - کسانی، دستهائی - زیر سؤال رفت. جهاد را زیر سؤال بردند، شهادت را زیر سؤال بردند. این، یکی از شاخصهاست؛ باید برجسته شود. احترام به شهیدان، احترام به جهاد و مجاهدان بایستی جزو بخشهای برجسته‌ی پرچم جمهوری اسلامی قرار بگیرد. جمهوری اسلامی به جهاد و شهادت شناخته‌میشود.

اعتماد به مردم، عقیده‌ی واقعی به مشـــارکت مردم. بعضیها اسم مردم را می‌آورند؛ اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می‌آورند؛ اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است.

شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخصهاست. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملتهائی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده‌ی علت این بود که مسئولان - پیشروان قافله‌ی ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال، فداکار، آماده‌ی به جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آنها هم از بین میرود و این ظرفیت هم نابود میشود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره‌ی شـــاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود

شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشـــود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمیکنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمیکنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.

نزدیکی با ملتهای مسلمان. ملتهای مسلمان عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامیاند. چرا تبلیغات عجیب و غریب آمریکائی و انگلیسی سعی میکنند بین ملتهای مسلمان با ملت ایران جدائی بیندازند؟ چرا؟ با مسئله‌ی قومیت، با مسئله‌ی سنی، شیعه؟ چون میدانند آنها عمق راهبردی و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی محسوب میشوند. تکیه‌گاه یک ملت به عمق استراتژیک اوســـت. نمیخواهند ملت ایران و نظام جمهوری اســـلامی از این حمایت و طرفداریای که از او در کشورهای مختلف میشود - که البته بی‌نظیر هم هست - برخوردار باشد. شما در هیچ جا نمیبینید که در یک کشوری از رؤسای یک کشور دیگری، آحاد مردم - نه سیاسیون - تجلیل و احترام کنند؛ عکسشان را بلند کنند، نامشان را با هیجان بیاورند؛ جز جمهوری اسلامی. در کشورهای مسلمان هر جا بروید، آنجائی که رد پائی از جمهوری اسلامی هست، مردم نسبت به آن و نسبت به جمهوری اسلامی ابراز احساساتشان اینجوری است. دشمن این را نمیخواهد؛ دشمن نمیخواهد این ارتباط برقرار باشد. جمهوری اسلامی باید این را یکی از وظائف خودش بداند. این جزو آن شاخصهای اصلی است.

اشرافی‌گری و گرایش به اشرافی‌گری، یک ضد ارزش بود در انقلاب. یعنی افرادی در سطوح مختلف بودند که از اینکه به اشرافی‌گری نسبت داده شوند، یا از آنها چیزی دیده شود که جزو خصوصیات اشرافی‌گری باشد، بشدت اجتناب میکردند. مسئولین کشور در درجه‌ی اول متعهد به این قضیه هستند و باید باشند. این تدریجاً ضعیف شد.

حالا شما نگاه کنید در این نوشتجات آدمهای یا کوته‌نظر - که خوشبینانه‌اش این است که بگوئیم کوته‌نظرند - یا اگر بدبینانه نگاه کنیم، مغرض و خائن، که از ارتباط جمهوری اسلامی با مردم لبنان، با مردم عراق، با مردم افغانستان، با مردم فلسطین، صریحاً و بارها انتقاد کرده‌اند و انتقاد میکنند. دیده‌اید شما، متأسفانه در مطبوعات ما و در بعضی از تریبونهای سیاسی، که این چیزها گفته میشـــود. این ضدیت با یکی از شاخصهای اساسی جمهوری اسلامی است. نه، جمهوری اسلامی منافع ملتهای مسلمان را منافع خودش میداند؛ با آنها مرتبط است، از آنها دفاع میکند؛ از مظلوم دفاع میکند، از ملت فلسطین دفاع

میکند؛ اینها شاخصهاست و اینها بایستی برجسته شود. دانشجو و دانشگاهی، بخصوص دانشجو میتواند در این میدان نقش‌آفرین باشد؛ میدان حفظ شاخصها، برجسته کردن شاخصها و مختصات حقیقی جمهوری اسلامی؛ غیر از مختصات ظاهری که اسمها و مقامات رسمی و حقوقی و اینهاست. شما میتوانید سهیم باشید، میتوانید اقدام کنید. و البته و خوشبختانه، ملت ما ملت بیداری است.
بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ۸۷/۹/۲۴

تغییر رفتار با تغییر نظام هیچ تفاوتی ندارد

نظام اسلامی که ما مدّعی آن هستیم و دنبال آن هستیم - حالا نظام اسلامی به‌معنای مجموعه‌ی ظرفیّتهایی است در کشور که حرکت عمومی مردم را و مسئولین را شکل میدهد؛ به این میگوییم نظام؛ همه‌ی ظرفیّتهایی که موجب حرکت عمومی مردم و مسئولین میشود، مجموع اینها، نظام اسلامی است - وقتی این نظام واقعاً اسلامی است که در آن همه‌ی اجزای اسلام محفوظ باشد و صورت و سیرت اسلام در آن حفظ بشود. صورت اسلام، همین حرفهای ما و اظهارات ما و کارهایی که میکنیم و این ظواهر امر است؛ سیرت اسلام، این است که ما یک هدفی را، یک آرمانی را، یک سرمنزلی را در نظر بگیریم و تعریف کنیم و برای رسیدن به آن سرمنزل، برنامه‌ریـــزی کامل کنیم، و در این راه عمل کنیم، حرکت کنیـــم، با همه‌ی وجود راه بیفتیم؛ آن‌وقت در آن صورت، سیرت اسلامی هم، هم، محفوظ خواهد ماند، هم رو به کمال خواهد رفت؛ یعنی در یک حد هم متوقّف نمیماند؛ خب، این برنامه‌ای است که ما برای رسیدن به آن اهداف، به آن احتیاج داریم. آنچه ما امروز در زبان مستکبرین و مخالفین نظام اسلامی و مشخّصاً جمهوری اسلامی مشاهده میکنیم که با «تغییر رفتار» از آن یاد میکنند - گاهی میگویند ما تغییر نظام را نمیخواهیم، تغییر رفتار را میخواهیم - [همین است]. تغییر رفتار با تغییر نظام هیچ تفاوتی ندارد؛ درست همان است؛ یعنی تغییر آن سیرت اسلامی؛ این معنای تغییر رفتار است. تغییر رفتار یعنی شما از آن چیزهایی که از لوازم قطعی و حتمی حرکت به آن سرمنزل است، دست بردارید؛ از آن کوتاه بیایید و نسبت به آن، اهتمام خودتان را از دست بدهید؛ این معنای تغییر رفتار است؛ یعنی همان چیزی که گاهی از آن در برخی از گفته‌ها و نوشته‌ها تعبیر میشود به دین حدّاقلّی؛ یعنی کاستن از آرمانها که به‌معنای نابودی سیرت دین است. این دین حدّاقلّی یعنی در واقع دین را حذف کردن.
بیانات در دیدار اعضا مجلس خبرگان ۹۳/۱۲/۲۱

باقی ماندن نام «جمهوری اسلامی» و حتی حضور یک معمم در رأس آن مهم نیست

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بعد از بیان خطرات به مراتب بیشتر و نگران کننده‌تر جنگ نرم در مقایسه با جنگ سخت گفتند: جنگ نرم فقط مخصوص ایران نیست اما در موضوع ایران، هدف اصلی از این جنگ نرمِ فکرشده

و حساب‌شده، استحاله‌ی جمهوری اسلامی ایران و تغییر باطن و سیرت، با حفظ صورت و ظاهر آن است.ایشان با تأکید بر اینکه تغییر باطن و سیرت به معنای تغییر انگیزه‌ها، شعارها، معارف انقلابی و اهداف بزرگ است، افزودند: در چارچوب اهداف جنگ نرمِ دشمن، باقی ماندن نام «جمهوری اسلامی» و حتی حضور یک معمم در رأس آن مهم نیســـت، مهم آن اســـت که ایران تأمین کننده‌ی اهداف آمریکا، صهیونیسم و شبکه‌ی قدرت جهانی باشد...
بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۹۴/۷/۲۰

انتخاب رهبر آینده با چه ویژگی هائی؟

مجلس خبرگان بنا است که رهبر انتخاب کنند؛ [این] شوخی است؟ آن روزی که رهبر فعلی در دنیا نباشد یا رهبر نباشد، باید اینها رهبر انتخاب بکنند. چه کسی را انتخاب خواهند کرد؟ آیا کسی را انتخاب خواهند کرد که در مقابل هجمه‌ی دشمن بِایستد، به خدا توکّل کند، شجاعت نشان بدهد، راه امام را ادامه بدهد؟ آیا چنین کسی را انتخاب میکنند یا کسی را انتخاب میکنند که جور دیگری است؟ این خیلی مهم است. کسی را شما میخواهید برای مجلس خبرگان انتخاب بکنید کـــه در واقع، او رهبر را انتخاب خواهد کرد که کلید حرکت انقلاب در دســـت او است؛ این خیلی اهمّیّت دارد، این کار کوچکی نیست. لذا باید تحقیق کرد، باید اعتماد پیدا کرد. پس بنابراین، اصل انتخابات و شرکت در انتخابات به‌عنوان یک اصل، یک مسئله است، مسئله‌ی انتخاب اصلح یا صالح هم یک مسئله است که این هم باید مورد توجّه قرار بگیرد.
بیانات در دیدار مردم قم ۹۴/۱۰/۱۹

هضم نشویم

باید خصوصیّات انقلابی‌مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی‌مان را حفظ کنیم، عزّت و هویّت ملّی‌مان را حفظ کنیم، هضم نشویم، و در هاضمه‌ی خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم؛ اگر اینها را رعایت بکنیم، این درست خواهد شد.
بیانات در دیدار اعضاء مجلس خبرگان ۹۴/۱۲/۲۰

صورت اسلام، همین حرفهای ما و اظهارات ما و کارهایی که میکنیم و این ظواهر امر است؛ سیرت اسلام، این است که ما یک هدفی را، یک آرمانی را، یک سرمنزلی را در نظر بگیریم و تعریف کنیم و برای رسیدن به آن سرمنزل، برنامه‌ریزی کامل کنیم، و در این راه عمل کنیم، حرکت کنیم، با همه‌ی وجود راه بیفتیم؛ آن‌وقت در آن صورت، سیرت اسلامی هم، هم، محفوظ خواهد ماند، هم رو به کمال خواهد رفت؛ یعنی در یک حد هم متوقّف نمیماند؛

لیست جزوات "سطح یک"

۱- اسلام ناب
۲- حیات الاحکام
۳- دین همه دین است
۴- جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
۵- سیرت و صورت انقلاب
۶- منشور روحانیت و خطبه منا
۷- پیام قطعنامه و پیام تشکیل بسیج دانشجو و طلبه
۸- چه باید کرد؟
۹- جمهوریت
۱۰- قاموس عدالت



اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی

www.edalatkhahi.ir

